

خوانش اسلام از ترور و تروریسم، واکاوی واژگان معادل

بهادر حاتمی^۱

چکیده

ترور و تروریسم واژگان لاتینی هستند که بعد از انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹)، در ادبیات سیاسی غرب رواج یافته‌اند. ترور در معنای واژگان و زبان هر کشوری قدمتی به درازای تاریخ دارد، اما پدیده تروریسم دارای سطوح مفهومی عمیق و گسترده است که بیشتر یک نگاه مکتبی امروزی را القا می‌کند. در ادبیات معاصر عرب، برخی واژگان همچون «ارهاب، اغتیال، فتک» و غیره معادل ترور دانسته شده‌اند. در متون مقدس و روایات اسلامی نیز به چنین واژگانی اشاره رفته است، اما کاربرد برخی از این واژگان در معنای ترور و ویژگی‌های تروریسم متفاوت خواهد بود. در این مقاله برآنیم با روش توصیفی - تحلیلی مبانی نظری و خوانش اسلام از پدیده ترور و تروریسم را با توجه به موارد معادل آن در ادبیات اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که شریعت اسلامی نه تنها در تضاد با اعمال ترور و تروریستی یا به اصطلاح کاربرد معادل این واژگان در ادبیات عرب است؛ بلکه در جایی که اسلام حکم قتل و اعدام را جایز می‌داند، عملاً برای جلوگیری از اعمال ترور و مصادیق مربوط به آن است.

واژگان کلیدی: ترور، تروریسم، اسلام، ارهاب، اغتیال، فتک، محاربه.

Reading Islam From Terror and Terrorism, Analyze the Vocabulary of Equivalent

Bahadur Hatami²

Abstract

Terror and terrorism are the Latin words after the French Revolution (1789) have gained popularity in the West in political literature. Terror in the meaning of words and language, the length of each country's history, but terrorism has deep and broad conceptual level, which is more of a school at the present day suggest. Some words in Arabic literature as Arhab, Aghtyal, Ftk etc. have been known to kill. In the words of the Scriptures and Islamic tradition has been noted, but the use of these words in the sense of terror and terrorism features will vary. In this article we describe a powerful analytical methods and theoretical approaches to the phenomenon of terrorism, Islam and terrorism, according to the equivalent in Islamic literature. The findings suggest that not only contradict Islamic Sharia Truro acts of terrorism or alleged use of the words in Arabic Literature, But where Islam is permissible to murder and death, actually to prevent acts of terrorism and issues related to it.

Key words: Terror, Terrorism, Islam, Arhab, Aghtyal, Ftk, Moharebe.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر.

2. MA History of Islamic Azad University of Shushtar, Iran. Email: Bhatami53@yahoo.com

مقدمه

تروریسم یک پدیده جهانی است و نمی‌توان ریشه آن را در قومیت، مذهب، کشور و یا ملت خاصی دانست. در جهان معاصر، عملکرد برخی گروه‌ها و فرقه‌های تندرو اسلامی باعث شده است، تصویری ناصحیح از شریعت اسلامی به جهان معرفی شود؛ این، در حالی است که مبانی نظری اسلام در تقابل با اعمال خشونت آمیز و فعالیت‌های تروریستی تعریف شده است. اهداف سیاسی و عملکرد غیرانسانی این گروه‌ها را نمی‌توان به نام اسلام نسبت داد، چیزی که غرب آن را بهانه و دستاویز خود قرار داده است. شوارتز می‌نویسد: «این تصور که غرب اسلام را مشوق اوج‌گیری فعلی خشونت در خاورمیانه یا سهیم در آن می‌داند، کاملا خطاست، چراکه شریعت اسلامی توصیه به تجاوز کاری نمی‌کند.»^۳ از طرفی، ماهیت تروریسم نیز چندان مشخص نیست، چراکه چه بسا در نزد گروهی چیزی که از آن به عنوان جهاد یاد می‌کنند، در نزد عده‌ای عمل تروریستی محسوب شود، و یا برعکس، یک فعالیت تروریستی، در حکم جهاد یا یک عمل مشروع و قانونی تلقی شود.^۴ برداشت تقدس‌مآبانه از اعمال خشونت آمیز و ایجاد رعب، وحشت و ترور، جز در قالب اهداف سیاسی و فرقه‌ای نمی‌گنجد و نمی‌توان مصادیق آن را در مبانی نظری اسلام که تعریف و چارچوب مشخصی از جهاد به دست می‌دهد، پیدا کرد. این مقاله، کوششی است در راستای تبیین شریعت اسلامی نسبت به مسئله ترور، به اشکال متفاوتی از واژگان که در روایات و متون اسلامی آمده است، چراکه تعاریف شریعت اسلامی از این واژگان و احکام صادر شده در این ارتباط، می‌تواند رویکرد اسلام را به پدیده ترور و تروریسم مشخص کند.

تبارشناسی واژگان ترور و تروریسم

واژه «ترور» (Terror) از ریشه لاتین «ترس» (Ters) به معنی «ترساندن، ترس و وحشت» آمده است.^۵ در سیاست، به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و

۳. دیوید شوارتز، «تروریسم بین الملل و حقوق اسلامی»، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل، ترجمه زهرا کسمتی، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۳۸۰.

4. see: Eric Morris, **Terrorisme: Threat and Response**, (Houndmills, Palgrave MACmillan press, 1987), p 26-27.

۵. علیرضا طیب، «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۱۹.

ترساندن آنها ترور می‌گویند. همچنین به کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود، دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس می‌زنند، ترور گویند. دوره انقلاب کبیر فرانسه، از مه ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ (دوره حکومت ژاکوبن‌ها) را نیز دوره «حکومت ترور» می‌خوانند، زیرا در این دوره، هزاران نفر را با گیوتین گردن زدند. ترور همچنین، روش آنارشیست‌های انقلابی و برخی گروه‌های انقلابی در روسیه تزاری است، که از این جهت به معنای کشتار سیاسی نیز به کار می‌رود.^۸ در *لغت‌نامه دهخدا* نیز در این باره آمده است: «ترور به معنای قتل سیاسی به وسیله اسلحه است. این کلمه در زبان فرانسه به معنای «وحشت و خوف» آمده و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی است که پس از سقوط ژیروندن‌ها^۷ از ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴ در فرانسه مستقر گردید.»^۸

ژاکوبن‌ها^۹ که پس از ژیروندن‌ها قدرت را به دست گرفتند، در ابتدا اصطلاح ترور را با برداشتی مثبت درباره خودشان به کار می‌بردند، اما پس از آن، این واژه به صورت ناسزایی درآمد که حکایت از یک عمل بزهکارانه داشت که باعث شکل‌گیری دوره حکومت ترور شد.^{۱۰}

ترور، اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از اقدام به خشونت، قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدف‌های سیاسی و کسب و یا حفظ قدرت است.^{۱۱} آلن پیرو نیز ترور را به معنای «ترس دسته جمعی» می‌داند که خشونت و کشتار بی‌حساب موجد آن است.^{۱۲} در این تعاریف، چنین به نظر می‌رسد در ابتدا واژه ترور، صرفاً در معنای «ترس و وحشت» خلاصه می‌شد، اما عملاً با «قتل و خونریزی» توأمان می‌گردید. از این‌رو، ترور هم وضعیت ترس و وحشت را نشان می‌دهد و هم یک اقدام عملی است که عامل آن ممکن است فرد، گروه، احزاب و یا دولت باشد.

در ارتباط با تروریسم (Terrorism) نیز تعاریف و تعبیر متعددی آمده است. دامنه و ویژگی‌های این پدیده، آنقدر گسترده است که، هنوز از سوی صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان و یا نهادهای بین‌المللی تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. به نظر می‌رسد، شناخت برخی پدیده‌ها در

۶. داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی* (تهران: مروارید، ۱۳۸۷)، ص ۹۹ - ۹۸.

7. Girondins

۸. علی اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۱۵ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳)، ص ۶۳۶.

9. Jacobins

۱۰. طیب، ص ۲۰.

۱۱. نک: علی اکبر آقابخش، *فرهنگ علوم سیاسی* (تهران: چاپار، ۱۳۷۹)، ص ۵۸۳.

۱۲. آلن پیرو، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی (تهران: کیهان، ۱۳۷۵)، ص ۴۲۶.

حوزه علوم انسانی، جزء در سایه کثرت آراء نظری امکان‌پذیر نباشد. به عبارتی، شناخت نسبی از برخی پدیده‌ها، همچون تروریسم تنها در چارچوب نظریه‌های مختلف قابل حصول است. برخی این پدیده را، روش حکومت‌هایی می‌دانند که با بازداشت، شکنجه، اعدام و انواع آزارهای غیرقانونی، از راه پلیس سیاسی مخفی، مخالفان را سرکوب و می‌هراسانند.^{۱۳} در تعریف دیگر، تروریسم، نه از سوی دولت و حکومت‌ها، بلکه از سوی مخالفان علیه دولت صورت می‌گیرد. در این معنا، تروریسم به معنی لزوم آدم‌کشی، تهدید، خوف و وحشت‌انداختن در میان مردم، برای نیل به هدف‌های سیاسی، و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به دسته دیگری است.^{۱۴}

همچنین این اصطلاح ناظر است، به دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی و خارجی دولتی، که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی به منظور تضعیف زوال و براندازی دولت مذکور.^{۱۵} در این تعریف، دامنه تروریسم، جنگ و عملیات نظامی را نیز در بر می‌گیرد، چنانکه کاسپر واینبرگر^{۱۶} وزیر دفاع آمریکا در سال ۱۹۵۸، یک عملیات تروریستی علیه آمریکا را به معنای جنگ می‌دانست.^{۱۷} اما سوال اینجاست که اگر تروریسم به معنای جنگ است، پس چرا جنگ به معنای تروریسم نیست. دردریان معتقد است که میان این دو پدیده از نظر تعریفی تفاوت هست، چراکه جنگ، یک خشونت سازمان یافته از طرف دولت‌ها است، در حالی که تروریسم، براساس کاربرد نامنظم و پیش‌بینی‌ناپذیر خشونت، برای دستیابی به اهداف گوناگونی که دارد، مبتنی است.^{۱۸} البته سازمان‌یافتگی را در پدیده تروریسم نیز می‌توان دید. به نظر می‌رسد، تفاوت، در دامنه، گسترش و مدت زمانی عملیات آن باشد. همچنین، جنگ، برخلاف تروریسم، بیشتر قابل پیش‌بینی است. ویلکینسون نیز علاوه بر ارباب و تهدید، «غیرقابل پیش‌بینی بودن» را از ویژگی‌های تروریسم می‌داند. او هدف تروریست‌ها را، «جمعی» ذکر می‌کند.^{۱۹}

۱۳. آشوری، ص ۹۹ - ۹۸.

۱۴. غلامرضا علی بابایی و بهمن آقایی، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۴ (تهران: شرکت نشر ویس، ۱۳۶۵)، ص ۱۷۸.

۱۵. همانجا.

16. Caspar Weinberger

۱۷. جیمز دردریان، «گفتمان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهان»، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۷۲۰.

۱۸. همانجا.

19. paul Wilkinson, *Terrorism and the Liberal State* (London: MACmillan, 1986), p 51- 53.

با توجه به جنبه‌های فردی، دولتی و فرا دولتی نیز می‌توان تعاریفی از تروریسم ارائه داد: تروریسم فردی، تشکیلاتی است که صرف نظر از قوانین کشورهای محل استقرار خود، به طور مستقیم مرتکب عمل تروریستی می‌شوند. نوع دولتی آن، این است که، یک کشور قوانین بین‌المللی را زیر پا بگذارد و به فعالیت‌های تروریستی در دیگر کشورها بپردازد.^{۲۰} کشورهایی که از چنین فعالیت‌هایی خارج از قوانین بین‌الملل و تشریفات مرسوم دیپلماتیک پشتیبانی می‌کنند، به «دولت‌های تروریست» مشهوراند.^{۲۱} همین‌طور، اقدامات گروه‌های فرا دولتی خودساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد راه، می‌توان «تروریسم بین‌الملل» نامید.^{۲۲} اقدام یهودیان افراطی، برای آتش زدن «قبة الصخره»، و یا حملات سازمان آزادی بخش فلسطین، به کسانی که در سواحل اسرائیل، حمام آفتاب می‌گرفتند، در این نوع عملیات تروریستی جای می‌گیرند.^{۲۳} همچنین، شبکه وسیع تروریسم بین‌المللی که توسط بن‌لادن و حامیان و پیروانش شکل گرفته است،^{۲۴} و در ادامه، شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش در عراق و سوریه راه، می‌توان در این راستا تفسیر نمود.

در تعریفی که وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ به دست داده است، در کنار ماهیت و اهداف سیاسی، بر جنبه‌های «ایدئولوژیک و مذهبی» تروریسم تاکید کرده است.^{۲۵} اما برخی را اعتقاد بر این است که، تروریسم فاقد جنبه‌های ایدئولوژیک است، بلکه صرفاً یک فعالیت و عمل می‌باشد^{۲۶} به تعبیری دیگر، تروریسم، عملی است که، مجموعه متنوعی از گروه‌ها و سازمان‌ها، ممکن است همواره یا مدتی با آن درگیر شوند. گاهی این عمل موقتی و گاهی مستمر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

-
۲۰. محمدرضا حاتمی، «تروریسم از دیدگاه اسلام»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی (شماره ۶، بهار ۹۰)، ص ۳۱-۳۰.
۲۱. مایکل لیمن و گری پاتر، «تروریسم به عنوان جرم سازمان یافته»، تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و علیرضا طیب، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۲۰۲.
۲۲. ایان مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی (تهران، میزان، ۱۳۸۱)، ص ۸۰۸.
۲۳. شوارتز، ص ۳۷۴.
۲۴. لیمن و پاتر، ص ۲۰۹.
۲۵. طیب، ص ۲۲.

26. Lenard Weinberg and Ami pedahzur, *Political Parties and Terrorist Groups* (New York and London: Routledge, 2003), p 3.

همچنین آمده است، تروریسم، فعالیت‌ها و اعمال بازیگران دولتی یا غیردولتی است که سعی دارند از طریق اعمال خشونت، به اهداف سیاسی خود دست یابند.^{۲۷}

سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۷۰، مسأله تروریسم را در دستور کار خود قرار داد، اما بحث‌ها و تلاش‌های اولیه آنان، نتوانست تعریف واحدی از آن به دست دهد. در سال ۱۹۷۲، مجمع عمومی، «کمیته موقت تروریسم» را ایجاد کرد. با وجود رویکردهای مختلف، برخی این تعریف را ارائه دادند که تروریسم عبارت است از: «گروگان‌گیری، خرابکاری، هواپیمارمایی، آدم‌کشی، تهدید، ارباب، بمب‌گذاری، یا تیراندازی کور»^{۲۸} اما، به نظر می‌رسد، این یک تعریف ناقص و جزئی از تروریسم باشد، چراکه انگیزه‌ها، اهداف، و دامنه فعالیت‌های تروریستی، به طور کامل در این تعریف مشخص نشده است و اصولاً هر قتل و تیراندازی را، نمی‌توان صرفاً یک عمل تروریستی دانست. با وجود این، بعدها سازمان ملل در سال ۱۹۹۴، جامع‌ترین سند خود را در زمینه مبارزه با تروریسم تصویب کرد. این اعلامیه، از این حیث قابل توجه است که، برداشت مشترکی از اقدام تروریستی به دست می‌دهد: «اعمال مجرمانه‌ای را که هدف یا انگیزه آنها ایجاد رعب و وحشت میان عامه مردم، گروهی از اشخاص، و یا اشخاصی خاص به منظوره‌ای سیاسی باشد، تحت هر شرایطی غیرقابل موجه است.» در این راستا، کنوانسیون‌های متعددی، در زمینه مبارزه با ابعاد مختلف ترور و تروریسم تاسیس شد.^{۲۹}

در کنوانسیون کشورهای اسلامی نیز تروریسم چنین تعریف شده است: «سوء قصد، تهدید جان افراد بی‌گناه و تهدیدهای دیگر، ایجاد رعب و ترس، آدم‌ربائی، گروگان‌گیری، رفتار خشونت‌بار، اقدام مسلحانه علیه افراد غیرنظامی و بی‌گناه، تعدی به جان و مال و حیثیت دیپلمات‌ها، ایجاد ناامنی و اختلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی، مساعدت مالی به تروریست‌ها، تخریب یا تهدید به تخریب اموال شخصی و عمومی و محیط زیست.»^{۳۰}

27. Jack Plano & Roy Olton, *The International Relations Dictionary* (USA: Longman, 1988), p 201.

۲۸. روزالین هیگینز، «حقوق بین الملل عام تروریسم»، *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*، ترجمه زهرا کسمتی، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۳۰۴ - ۳۰۲.

۲۹. پترس غالی، «سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین المللی»، *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*، ترجمه سید قاسم زمانی، به کوشش علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۳۳۰ به بعد.

۳۰. کامران هاشمی، «حقوق اسلامی در تقابل تروریسم بین المللی»، *راهبرد (شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۰)*، ص ۱۳۸.

همچنین تروریسم را می‌توان، «نظام حکومت ترور» نیز نامید که، آدم‌کشی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، از ویژگی‌های آن است؛ و نوعی نظام فکری است که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی جایز می‌شمارد.^{۳۱} مهم‌ترین عنصر در این پدیده، همانا سلب امنیت است، که آن را تا حد بزرگ‌ترین جنایات برای بشر خطرناک می‌سازد.^{۳۲}

تروریسم، به‌رغم عدم وجود یک اجماع در تعریف آن، به نظر می‌رسد پیوندی تنگاتنگ با اهداف سیاسی دارد. چه بسا، بسیاری از جرم و جنایت‌هایی که اتفاق می‌افتند، از آنجایی که دارای ماهیت و اهداف سیاسی نیستند، نمی‌توان عنوان تروریسم به آنها اطلاق نمود. واژگان ترور و تروریسم نیز اگرچه در عمل یکسان به نظر می‌رسند، اما بین این دو تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. برخی ترور را در یک زمینه تاریخی، همچون شوروی در زمان استالین جستجو می‌کنند، اما برخی، تروریسم را شکل سازمان‌یافته‌تر ترور می‌دانند. عده‌ای نیز معتقدند، ترور یک وضعیت انتزاعی است، حال آنکه تروریسم، یک فعالیت اجتماعی سازمان‌یافته است. پسوند «ایسم» نیز بر معانی گوناگونی دلالت می‌کند؛ از یک طرف، خصلت نظام‌مند بودن یک پدیده را مشخص می‌کند یا اینکه به سطح مفهومی و نظری اشاره دارد، و از طرفی نیز، یک سطح عملی را نشان می‌دهد.^{۳۳} تروریسم همچنین برخلاف ترور، که عملی «فردی و ضربتی» است و در «کوتاه‌مدت» انجام می‌پذیرد، جریانی «گروهی و سازمان‌یافته و مستمر» است که اهداف گوناگونی را دربر می‌گیرد. از این‌رو، تروریسم، اقدامی جمعی و ناشی از سازمان‌یافتگی است که می‌تواند در جایگاه نوعی استراتژی سیاسی یا نظامی قرار گیرد. به این معنا تروریسم، جریانی است که می‌کوشد به کمک نظامی و از طریق هراس‌افکنی مبتنی بر قهر، اهداف خویش را پیش ببرد.^{۳۴}

دیدگاه اسلام

در گزارش مرکز ملی ضدتروریسم ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۶ آمده است که، اسلام‌گرایان حدود ۲۳ درصد مسئولیت حوادث تروریستی جهان را پذیرفته‌اند. در این گزارش، ۲۱ درصد حوادث

۳۱. نک: آقابخشی، ص ۵۸۳.

۳۲. عباسعلی عمید زنجانی، *فقه سیاسی*، ج ۳ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷)، ص ۴۲۶.

33. See: John Richard Thackrah, *Dictionary of Terrorism* (New York and London: Routledge, 2004), p264.

۳۴. نک: انور خامه‌ای، *شاه‌کشی در ایران و جهان*، جامعه‌شناسی و تاریخ تروریسم (تهران: چاپخش، ۱۳۸۱)، ص

تروریستی به سنی مذهبها و ۲ درصد به شیعیان نسبت داده شده است. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز زمینه‌ساز به کارانداختن اصطلاح «تروریسم اسلامی» شده است. اما با نگاهی به فقه اسلامی، نه تنها نمی‌توان اثری از تروریسم یا جهاد به شکل تروریسم امروزی پیدا کرد، بلکه چنین فعالیت‌هایی، در «تضاد» با مبانی نظری اسلام قرار دارند.^{۳۵} انتساب چنین فعالیت‌های تروریستی به مسلمان، تنها در مورد گروه‌ها و فرقه‌های تندرویی مصداق دارند که شریعت اسلامی را در راستای اهداف سیاسی و فرقه‌ای خود تفسیر می‌کنند، به قول هانا آرنت، خشونت‌ها هرچند توجیه‌پذیر باشد، اما هرگز مشروع نخواهند بود.^{۳۶} در اینجا، بررسی برخی واژگان که هم معادل و هم ویژگی‌ها و عناصر ترور و تروریسم را دارند، می‌توانند نگاه اسلام را نسبت به این پدیده مشخص کند.

یکی از این واژگان که در ادبیات معاصر عرب، معادل «ترور، ترس و وحشت» معنا شده است، واژه «ارهاب» است. این واژه صرفاً در معنای مطلق ترس و وحشت‌آفرینی به کار رفته است، اما ادبیات معاصر، آن را معادل ترور به کار برده است و ظاهراً لفظ عام (مطلق ترس) را، در معنای خاص (ترس و هراس‌افکنی ناشی از ترور) به کار برده‌اند.^{۳۷} واژه ارهاب به این شکل در قرآن نیامده است، اما مشتقات آن که در این کتاب آسمانی ذکر شده است، هیچکدام در معنای ترور به کار نرفته است. چنانکه در این آیات ذکر می‌شود: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون.» یعنی: «ای بنی اسرائیل، نعمت مرا که به شما ارزانی داشته‌ام به خاطر داشته باشید، به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید آنگاه است که من نیز به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد و تنها از من ترس داشته باشید.»^{۳۸} همچنین در آیه: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و اخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم و ما تنفق من شی فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لاتظلمون.» به معنای: «شما مومنان برای مقابله با کافرانی که پیرامون شمایند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند بترسانید (و اندیشه

۳۵. نک: حسن عالی‌پور، «نسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه»، فصلنامه مطالعات راهبردی (سال ۱۳، شماره ۴۰، ۱۳۸۹)، ص ۱۲۱ به بعد.

36. Hannah Arendt, *On Violence* (New York: Harcourt, Brace, Jovanivich, 1970), p 46.

۳۷. عبدالکریم عبدالهی‌نژاد و رمضان عباس‌پور، «ترور از دیدگاه فقه»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول (شماره ۸۷/۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، ص ۱۵۹.

۳۸. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۴۰.

هجوم به مسلمانان را از آنان سلب کنید) و نیز برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینانند و شما از آنان بی‌خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید و بدانید که هر چیزی را در راه خدا هزینه کنید، بی‌کم و کاست به شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد.³⁹ و یا در آیه: «لا انتم اشد رهبه فی صدورهم من الله ذلک بأنهم قوم لا یفقهون.»، یعنی: «هراسی که آنان از شما در دل خود دارند بیش از هراس‌شان از خداست، و این بدان سبب است که آنان مردمی هستند که نمی‌فهمند کارها به دست خداست.»⁴⁰

در این آیات، به وضوح مشاهده می‌شود که مشتقات کلمه «ارهاب» که در ادبیات جدید «ترور و وحشت» آمده است، هیچ‌گاه به معنای «ترور کردن» ذکر نشده است و تنها صرف «ترس و ترساندن» معنا می‌دهد. در آیه اول و سوم، ترس و هراس از خداست و آیه دوم، ترساندن دشمنان خدا و مسلمانان است که بیشتر بر یک عامل بازدارندگی تأکید شده است.

واژه «اغتيال» یا «غیله» از دیگر واژگانی است که برخلاف واژه ارهاب، به معنای دقیق کلمه مترادف ترور است. معنای آن عبارت است از «کسی که دیگری را فریب دهد و در موضعی مخفیانه او را به قتل برساند.»⁴¹ این واژه یا مشتقات آن در قرآن ذکر نشده است، اما در روایاتی که از ائمه (ع) ذکر شده است، می‌توان به رویکرد اسلام به چنین علمی پی برد. از جمله این روایت است که شخصی از اما صادق (ع) سؤال کرد: آیا در حق ناصبی اغتیال روا است؟ امام پاسخ دادند: «امانت را به همان کسی برگردان که تو را امین خود قرار داده و از تو طلب نصیحت کرده است، هر چند قاتل حسین (ع) باشد.»⁴² یا در روایتی از امام جواد (ع) آمده است که می‌فرمایند: «از اغتیال و فتنک بر حذر باشید، من می‌ترسم اگر در ظاهر مرتکب قتلی گردی، مورد سوال قرار گیری و نتوانی دلیل قانع کننده‌ای بیابی.»⁴³ همچنین در مورد دیگر، در دعایی متعلق به حضرت فاطمه چنین آمده است: «خدایا به تو پناه می‌برم از غیله اغتیال گران.»⁴⁴

39. سوره انفال، آیه 60.

40. سوره حشر، آیه 13.

41. محمدحسن مرعشی، «مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام»، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، به کوشش علیرضا طیب (تهران: مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، 1381)، ص 28.

42. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج 8 (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367)، ص 293.

43. محمد بن حسن شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، تحقیق میرداماد الاسترآبادی و دیگران (قم: موسسه آل

بیت، 1404ق)، ص 811.

44. حاتمی، ص 37.

واژه دیگری که در معنای نزدیکی به ترور و ویژگی‌های تروریستی دارد، واژه «فتک» است. در ادبیات امروز عرب، فتک نیز در واقع مصداق دقیق ترور است.^{۴۵} معنای دقیق آن عبارت است از: «به طور ناگهانی به کسی یورش بردن و او را به قتل رساندن.»^{۴۶} در قرآن نیز همچون واژه «اغتيال» هیچ اشاره‌ای به «فتک» نشده است. اما در روایات اسلامی به برخی از این واژگان برمی‌خوریم. در روایتی از پیامبر چنین آمده است: «لیس فی الاسلام ایماء و لا فتک، ان ایمان قید «فتک». یعنی: «در اسلام ایماء و فتک جایی ندارد، همانا ایمان، فتک را زنجیر کرده است.»^{۴۷} در روایتی دیگر آمده است: «ابوصباح کنانی خدمت اما صادق (ع) عرض کرد همسایه‌ای بنام جعد بن عبدالله دارم که به امیرالمؤمنین علی (ع) بدگویی می‌کند و از امام خواست که به او اجازه دهد تا در کمین او بنشیند و هنگامی که او را به دام انداخت به قتل برساند، اما حضرت مانع شدند و فرمودند: این عمل فتک است و رسول خدا فتک را نهی فرمودند، اسلام فتک را زنجیر نموده است.»^{۴۸}

اما قرآن در مواردی چند قتل را جایز می‌داند؛ برای محارب و مفسد فی الارض که جان و مال و آسایش مردم را به خطر می‌اندازند. چنین احکامی به معنای تجویز ترور و خشونت نیست، بلکه خود اقدامی برای مقابله با خشونت، ترور و اعمال تروریستی است. محقق حلی آورده است: «محارب کسی است که برهنه کند حرب را جهت ترسانیدن مردم، چه در بیابان و چه در دریا، در شب و روز، و در شهر یا غیر آن.»^{۴۹} اسلحه کشیدن بر روی مردم، ایجاد رعب و وحشت، فساد در زمین و نظایر آن، در دین اسلام ممنوع و محکوم است. در آیاتی از سوره مائده آمده است: «من اجل ذالک کتبنا علی بنی اسرائیل انه، من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا و من احیاه فکانها احیا الناس جمیعا و لقد جاءتهم رسلنا بالبینة ثم ان کثیرا منهم بعد ذالک فی الارض لمسرفون.» یعنی «بدین سبب که آدمی با انگیزه‌های واهی (چون فساد و دنیاخواهی) به قتل دیگران برانگیخته می‌شود، برای بنی اسرائیل که در معرض این خطر بودند بیان کردیم که هر کس فردی را بی‌آنکه مرتکب قتل شده یا در زمین فساد برانگیخته باشد، بکشد مانند آن است که همه مردم را کشته است، و هر کس فردی را زنده بدارد (از مرگ نجاتش دهد)، مانند آن است که

۴۵. نک: عبداللهی نژاد و عباس‌پور، ص ۱۵۷.

۴۶. مرعشی، ص ۲۸.

۴۷. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳ (قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵)، ص ۲۲۴۹.

۴۸. کلینی، ج ۷، ص ۳۷۵.

۴۹. ابوالقاسم جعفر بن حسن محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی (تهران، دانشگاه

تهران، ۱۳۶۲)، ص ۱۸۸۸.

همه مردم را زنده داشته است. و به راستی پیامبران ما با دلایلی روشن به سوی‌شان آمدند و آنان را از آدم‌کشی و سایر فسادها بر حذر داشته‌اند، ولی پس از آن بسیاری از آنان در زمین از حدودی که تعیین شده بود تجاوز کردند.^{۵۰} و همچنین در آیه بعدی چنین آمده است: «انما جزوا الذین یحاربون الله و رسوله، و یسعون فی الارض فساد ان یقتلوا او یضوا او تفتع ایدیهم و ارجلهم من خلف او ینفقوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی آخره عذاب عظیم.» به معنای: «جز این نیست که سزای آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به فسادگری می‌کوشند که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند و یا یک دست و یک پایشان برخلاف یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید گردند، این کیفر، رسوایی آنان در دنیا است و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.»^{۵۱}

در آیه ۳۲، قرآن به صراحت انسان‌ها را از آدم‌کشی و فساد در زمین بر حذر می‌دارد و اعلام می‌دارد، هرکس، کسی دیگر را، بدون اینکه مرتکب قتل شود، به قتل برساند، مثل این است که همه انسان‌ها را به قتل رسانده است. در اینجا قرآن حکم قتل را تنها برای کسانی صادر می‌کند که خود مرتکب چنین عمل غیرانسانی شوند. در آیه بعدی (۳۳) سزای کسانی را که بر علیه خدا و پیامبرش محاربه می‌کنند و به فساد در زمین و پردازند را قتل، تصلیب یا قطع عضو و یا تبعید می‌داند. و نیز در آیه‌ای دیگر از این سوره: «الا الذین تابوا من قبل ان تقدوا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم.» یعنی: «مگر کسانی که پیش از اینکه به ایشان دست یابید توبه کرده باشند، نباید بر آنان حد جاری کنید که خداوند آمرزنده و مهربان است.»^{۵۲} در این آیه، به وضوح توبه از چنین اعمالی را می‌پذیرد و حد را برای توبه‌کنندگان جایز نمی‌داند. بنابراین، این احکام، به صراحت موضع اسلام را در برخورد با محارب و مفسد فی الارض که منطبق با پدیده ترور و ویژگی‌های تروریستی است مشخص می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این جستار به دنبال پاسخ به این سوال بودیم که اسلام چه رویکردی به پدیده ترور و تروریسم دارد. به‌رغم آنکه تروریسم یک پدیده جدید است، اما ترور در معنای ترجمه و واژگان و زبان هر

۵۰. سوره مائده، آیه ۳۲.

۵۱. سوره مائده، آیه ۳۳.

۵۲. سوره مائده، آیه ۱۳۴.

کشوری، قدمتی به درازای تاریخ دارد. ترور در اصل، معنای ترس، رعب و وحشت می‌دهد، اما در عمل، توأم با قتل و خونریزی نیز هست و بیشتر دارای ماهیت و هدفی سیاسی به شکل انفرادی است. تروریسم نیز یک نظام فکری و سازمان‌یافته جمعی است، به دلیل آنکه دامنه، روش‌ها، شیوه‌ها و اهداف آن بسیار گسترده است. صاحب‌نظران، نظریه‌پردازان و نهادهای بین‌المللی مربوطه، نتوانستند به تعریف جامع و واحدی از آن دست یابند. با وجود تفاسیر و تعاریف مختلف، مصادیق مشترک آن را می‌توان، ایجاد رعب و وحشت، سلب امنیت، فساد و اعمال غیر قابل پیش‌بینانه از سوی افراد، حکومت‌ها و گروه‌های فرادولتی و بین‌المللی برشمرد. در اسلام به برخی واژگان و ویژگی‌ها و عناصر مربوط به ترور و تروریسم برمی‌خوریم، چنانکه واژگان «ارهاب»، «اغتيال»، «فتک»، و «محرابه» در معنای ترس و وحشت، ترور و سایر ویژگی‌های یک عمل تروریستی بکار رفته‌اند. در قرآن، احادیث و روایات اسلامی هر جا که به چنین واژه‌هایی اشاره رفته است، تأکید به مخالفت و محکومیت چنین اعمالی بود. با استناد به این منابع، اقدام به محاربه، فتک و اغتيال، به جد نهی شده است و در آیاتی که قرآن (سوره مائده، ۳۳ و ۳۲) به صراحت حکم قتل، تصلیب، قطع عضو و یا تبعید را جایز می‌شمارد، تنها برای کسانی است که خود مرتکب چنین اعمالی شدند، و احکام صادره نه به معنی ایجاد رعب و وحشت و ترور است، بلکه اقدامی بازدارنده علیه ترور و عناصر تاریخی پدیده امروزی تروریسم است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- آشوری، داریوش. *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید، ۱۳۸۷. *تفسیر*
- آقا بخشی، علی اکبر. *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار، ۱۳۷۹.
- پیرو، آلن. *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
- حاتمی، محمدرضا. «تروریسم از دیدگاه اسلام». فصلنامه *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۶ بهار ۱۳۹۰.
- خامه‌ای، انور. *شاه‌کشی در ایران و جهان، جامعه‌شناسی و تاریخ تروریسم*. تهران: چاپخش، ۱۳۸۱.
- دردریان، جیمز. «گفتمان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهان». *تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی. به کوشش علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.

خوانش اسلام از ترور و تروریسم، واکاوی واژگان معادل / ۱۳

- دهخدا، علی اکبر. *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۱۵. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- شوارتز، دیوید. «تروریسم بین الملل و حقوق اسلامی». *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*. ترجمه زهرا کسمتی. به کوشش علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. *اختیار معرفه الرجال*. تحقیق میرداماد الاسترآبادی و دیگران. قم: موسسه آل بیت، ۱۴۰۴ ق.
- طیب، علیرضا. «تروریسم در فراز و فرود تاریخ». *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*. به کوشش. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- عالی پور، حسن. «نسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه». فصلنامه *مطالعات راهبردی*. سال ۱۳. شماره ۴۰. ۱۳۸۹.
- عبداللهی نژاد، عبدالکریم و رمضان عباس پور. «ترور از دیدگاه فقه». *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*. شماره ۸۷/۱. پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- علی بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی. *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: شرکت نشر ویس، ۱۳۶۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی. *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- غالی، پترس. «سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین المللی». *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*. ترجمه سید قاسم زمانی. به کوشش علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- لیمن، مایکل و گری پاتر. «تروریسم به عنوان جرم سازمان یافته». *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل*. ترجمه سید قاسم زمانی و علیرضا طیب. به کوشش علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن. *تسرایع الاسلام*. ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- محمدی ری شهری، محمد. *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵.
- مرعشی، محمدحسن. «مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام». *تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل*. به کوشش علیرضا طیب. تهران: مرکز مطالعات توسعه قضائی و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، ۱۳۸۲.
- مک لین، ایان. *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*. ترجمه حمید احمدی. تهران: میزان، ۱۳۸۱.
- هاشمی، کامران. «حقوق اسلامی در تقابل تروریسم بین المللی». *راهبرد*. شماره ۲۱. پاییز ۱۳۸۰.

هیگینز، روزالین. «حقوق بین الملل عام تروریسم». **تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق بین الملل**. ترجمه زهرا کسمتی. به کوشش علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.

Arendt, Hannah. **On Violence**. New York: Harcourt, Brace, Jovanivich, 1970.

Morris, Eric. **Terrorisme: Threat and Response**. Houndmills, Palgrave MACmillan, 1987.

Plano, Jack & Roy Olton. **The International Relations Dictionary**. USA: Longman, 1988.

Thackrah, John Richard. **Dictionary of Terrorism**. New York and London: Routledge, 2004.

Weinberg, Lenard and Ami pedahzur. **Political Parties and Terrorist Groups**. New York and London: Routledge, 2003.

Wilkinson, paul. **Terrorism and the Liberal State**. London: MACmillan, 1986.

